

کارورزی مددکاری اجتماعی: کارکردها و الزامات

(مطالعه موردی دانشگاه علامه طباطبائی)^۱

ستار پروین*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۵

چکیده

مقاله حاضر به بررسی الزامات و کارکردهای (با تأکید بر مسائل و چالش‌های) مددکاری اجتماعی در دانشگاه علامه طباطبائی می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش، شامل تمام استادان سرپرست کارورزی است. داده‌های پژوهش با روش کیفی و با استفاده از تکنیک مصاحبه گردآوری شده است. روش نمونه‌گیری، هدفمند و در دسترس بخشی و حجم نمونه برابر با ۲۰ نفر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کارورزی‌های رشته مددکاری با مسائلی^۲ مانند عدم همکاری مؤسسات، سپردن

۱- یافته‌های این پژوهش حاصل نتایج طرح پژوهشی با همین عنوان است که با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۹۴ به انجام رسیده است.

* استادیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. sparvin1359@gmail.com

۲- لازم به ذکر است که این گونه مسایل در عمده مراکز آموزش عملی مددکاری اجتماعی داخلی و خارجی کم و بیش وجود دارد و به هیچ وجه قابل تعمیم به کلیت آموزش عملی مددکاری اجتماعی در دانشگاه علامه

فعالیت‌های بی‌ربط با حوزه مددکاری اجتماعی، کاهش تعداد مؤسسات نسبت به گذشته، عدم نظارت مؤثر و مناسب استادان سرپرست، پایین بودن حق‌الزحمه استادان، سلیقه‌ای عمل کردن سرپرستان و نداشتن وحدت رویه در ارزیابی دانشجویان، عدم ارتباط مؤثر بین استادان سرپرست و دانشگاه، و کلیشه‌ای شدن امور مربوط به کارورزی و تقلیل دادن آن به امور اداری، عدم نیل به سمت تخصصی شدن در حوزه‌های گوناگون مددکاری اجتماعی، وجود فاصله بین مبانی نظری و عملی در کارورزی، بی‌انگیزگی دانشجویان (به‌ویژه دانشجویان پسر)، مشکلات رفت‌وآمد دانشجویان، عدم توانایی دانشجو در برقراری ارتباط حرفه‌ای و... مواجه است.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه علامه طباطبائی، مددکاری اجتماعی، کارورزی، ارزیابی دانشجویان، استادان سرپرست.

طرح مسئله

امروزه رشته مددکاری اجتماعی به عنوان یکی از رشته‌های علمی و حرفه‌ای هم‌یار و توانمند ساز شناخته می‌شود که دارای گرایش‌ها و تخصص‌های گوناگونی در مؤسسات و حوزه‌های مختلف می‌باشد. این رشته ضمن آنکه دارای دو بعد علمی و حرفه‌ای است، دارای دو بعد نظری و عملی نیز می‌باشد و تلاش دارد تا با بهره‌گیری از مبانی و نظریه‌های مددکاری اجتماعی و نیز برخی از علوم مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی و... به حل و کاهش آلام و رنج‌های ابنا بشر یاری رساند. بعد عملی آموزش‌های مددکاری اجتماعی، به عنوان بخش بسیار با اهمیت و ماهوی این رشته شناخته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که آموزش عملی، تعامل بین مباحث نظری و کمک به افراد و گروه‌های مددجو در عمل می‌باشد و در این بین، عناصر مختلفی نظیر آموزش‌های نظری،

طباطبائی نمی‌باشد و این موارد صرفاً در برخی از فیلدها مشاهده می‌شود. با این حال تلاش‌های بسیاری برای کاهش این گونه مسایل در سالیان گذشته در گروه مددکاری اجتماعی انجام شده است.

سرپرستی، علاوه و انگیزه دانشجویان، موسسات کارورزی و مواردی از این دست، اثرگذار هستند.

تجربه مستقیم کارورزی در مددکاری اجتماعی ریشه در آموزش‌های اولیه مددکاری اجتماعی دارد که به وسیله آن، یک مدل کارآموزی^۱ ارائه می‌شد که داوطلبان و مددکاران استخدام شده را قادر می‌ساخت تا دوره آموزش را برای ایجاد دوره‌های اولیه مددکاری اجتماعی در سال ۱۸۹۸ تجربه کنند (جورج به نقل از Flynn and et al, ۲۰۱۴). از ابتدای شکل‌گیری این حرفه، کارورزی بخش جدایی ناپذیر آموزش و تربیت مددکار اجتماعی بوده است. در میان حرفه‌های یاری‌گرانه، رشته مددکاری اجتماعی را سردمدار استفاده از کار میدانی نظارت شده برای آموزش دانشجویان می‌دانند. "اسکیدمور"^۲ سرپرستی و نظارت در آموزش مددکاری اجتماعی را از ویژگی‌های این حرفه دانسته و معتقد است که "با استفاده از فرایند سرپرستی در کارورزی مددکاری اجتماعی، دانشجویان بی تجربه هدایت و راهنمایی می‌شوند و رشد مداوم کارآموزی و تجربه عملی آنان فراهم می‌شود (زاهدی اصل؛ بخشی‌نیا، ۱۳۹۳ : ۳). هم در دروس نظری و هم در کار عملی، سرپرستان کارورزی که از بین مددکاران اجتماعی واجد شرایط و متخصص در امر سرپرستی انتخاب می‌شوند، به دانشجویان و مددکاران کمک می‌کنند از لحاظ حرفه‌ای رشد نمایند و دائماً بر دانش و مهارت حرفه‌ای خویش بیفزایند. سرپرست به طور منظم در دسترس دانشجویان است تا به او کمک کند کارش را بهتر انجام دهد و دانش و مهارت‌هایش را در کار با مردم گسترش داده و تعمیق بخشد. مددکاران اجتماعی خودشان ابزار کمک به افراد مشکل دار هستند، و نیاز به رشد مداوم حرفه‌ای، و حفظ رابطه تنگاتنگ دانش و مهارت‌های عملی‌شان دارند (همان). کارورزی در مددکاری اجتماعی همواره بخش جدایی ناپذیر در امر آموزش

۱. apprenticeship model

۲. Skidmore

بوده است. کارورزی مبتنی بر فلسفه یادگیری در عمل بوده و هدف آن آموزش اصولی در مددکاری اجتماعی می‌باشد. فرصت‌های کارورزی دانشجویان را به سمت مجموعه گسترده‌ای از واقعیت‌ها پیرامون جهان سوق می‌دهد. برای دانشجویان این رشته بسیار مهم است که در یک محیط آموزشی، به اصول عملی، ارزش‌ها، اخلاقیات و پایه علمی در عمل دست یابند (Sunirose, ۲۰۱۳) که این مهم، صرفاً با انجام کارورزی‌های علمی و حرفه‌ای امکان پذیر است.

از ابتدای آموزش مددکاری اجتماعی در ایران از سال ۱۳۳۷ تاکنون و در یک دوره ۵۸ سال، تلاش‌های بسیاری در ارتباط با آموزش‌های عملی (کارورزی) در رشته مددکاری اجتماعی صورت گرفته است، دانش‌آموختگان بسیاری فارغ‌التحصیل شده‌اند و در موسسات مختلف از جمله واحدهای صنعتی، روستایی، محلات پرآسیب شهری، افراد توان خواه جسمی، حرکتی و اجتماعی، پزشکی و... آموزش دیده‌اند. با تمام زحماتی که اساتید پیشکسوت کشیده‌اند، هم اکنون آموزش عملی در رشته مددکاری اجتماعی - به خصوص در دانشگاه علامه طباطبائی به عنوان متولی اصلی این رشته در کشور - با مسایل و محدودیت‌هایی مواجه است که شناخت آن‌ها و راه طریق برای آن، نیازمند کنکاش و انجام مطالعات پژوهشی فراوان می‌باشد.

در حال حاضر در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، در گروه مددکاری اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، دانشجویان واحدهای کارورزی مددکاری اجتماعی را در موسسات مختلف و مناسب می‌گذرانند اما به نظر می‌رسد که وضعیت کنونی آموزش کارورزی مطلوبیت مورد انتظار را ندارد در حالی که، کارورزی‌ها، بنیان حرفه‌ای شدن دانشجویان را تشکیل می‌دهد. شاید در نگاه نخست بتوان عواملی مانند دانشجویان بی انگیزه و یا کم انگیزه، نبود موسسات مناسب کارورزی و مواردی از این دست را در کاهش اثر گذاری آموزش کارورزی مددکاری مورد مذاقه نظر قرار داد. این پژوهش تلاش می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهد که مهمترین مسایل و مشکلات فراروی کارورزی مددکاری اجتماعی از نظر

اساتید سرپرست کدامند؟ و چه راه کارهایی جهت کاهش این مسایل مو ارتقا کیفیت کارورزی‌ها می‌توان پیشنهاد کرد؟ .

پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع مورد مطالعه، در پژوهش‌های داخلی به خصوص در ارتباط با دانشگاه علامه طباطبائی، پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است.

مطالعه معارف و ند نشان می‌دهد که شیوه غالب آموزشی [عملی] مددکاری اجتماعی در ایران، معلم محور و بیشتر به صورت سخنرانی بوده است. این امر به کاهش مشارکت دانشجو در فرایند یادگیری، محدود کردن فرصت‌های تجربه موقعیت‌های مختلف و ضعف استفاده آموزشی از موقعیت‌های تجربه شده، منجر می‌گردد (معارف‌وند، ۱۳۸۹).

تاپ و دیگران در بررسی اثربخشی موسسات کارورزی به مواردی مانند رضایت‌مندی دانشجو، خودکارآمدی^۱، رضایت‌مندی مددجو و ابزارهای ارزیابی مبتنی بر شایستگی^۲ اشاره کرده‌اند (Tapp et al, ۲۰۱۲).

ماسب و دیگران در مطالعه خود، به موضوع چرایی شکاف میان نظریه و عمل موسسات کارورزی در کویت پرداخته‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که نیازمندی‌ها و چالش‌های شغلی دانشجویان، برنامه آموزشی^۳ دانشجو، توصیف مشاغل^۴ و توسعه نفس^۵ از متغیرهای اثرگذار در این شکاف هستند. همچنین محققان به موارد اثرگذار

۱. self-efficacy

۲. competency-based evaluation tools

۳. curriculum

۴. curriculum, job description

۵. self-development

دیگری مانند جنسیت، نوع دانشگاه، رشته و نوع مؤسساتی که دانشجویان در آن فعالیت دارند اشاره کرده‌اند (Al-Ma'seb et al, ۲۰۱۳).

بر اساس برخی از مطالعات، نگرانی‌ها در مؤسسات کارورزی به مسایل مانند احساس شایستگی، نگرانی درباره نحوه عملکرد و ارزیابی و احساس ناراحتی مرتبط است (Flynn et al, ۲۰۱۴). مطالعه گلمن نشان می‌دهد که دانشجویان کارورزی در حین اینکه دارای احساس خوبی در مؤسسات هستند، همچنین سطوحی از اضطراب را تجربه می‌کنند که با متغیرهایی مانند سن و تجارب زندگی ارتباط دارد (Gelman, ۲۰۰۴). همچنین وی در مطالعه دیگری نشان می‌دهد که تعامل مناسب بین دانشجو، مدیریت موسسه و دانشگاه، دانشجو را قادر می‌سازد تا احساس خوبی در مؤسسات کارورزی داشته باشد (Gelman, ۲۰۱۱).

مطالعه بام، موضوع پایان نظارت و احساس دانشجویان مددکاری اجتماعی را نسبت به آن مورد بررسی قرار می‌دهد. این مطالعه که به روش کیفی انجام شده است، نشان می‌دهد که حدود ۷۳ درصد از دانشجویان اظهار کرده‌اند که احساس خیلی خوب و یا خوب نسبت به سرپرست خود دارند. همچنین، بر اساس نتایج، پاسخ دانشجویان به پایان کارورزی با کیفیت رابطه سرپرستی به عنوان یک مجموعه^۱ بستگی دارد (Baum, ۲۰۱۱).

تجربه دانشجویان در کار گروهی کارورزی موضوعی است که توسط گودمن و همکاران به انجام رسیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دو سوم از دانشجویان اظهار کرده‌اند که گروه‌ها را به سمت مؤسسات تشویق کرده‌اند. نیمی از دانشجویان از آموزش‌های نظری و استفاده از آن در کار عملی اظهار رضایت کرده‌اند با این حال، اکثریت پاسخگویان احساس نکرده‌اند که کلاس‌های نظری، آن‌ها را برای کار گروهی آماده کرده است (Goodman and et al, ۲۰۱۴).

۱. as a whole

شون در مطالعه خود نشان می‌دهد که دانشجویان هنگامی که از مباحث نظری به سمت کارورزی می‌روند با چالش‌های عاطفی و شناختی مواجه‌اند (Barlow and Hall, ۲۰۰۷). همچنین روف و همکاران نشان می‌دهند که دانشجویان هنگامی که وارد کار عملی می‌شوند با سطح بالایی از اضطراب مواجه‌اند (همان). احساس دانشجویان در ارتباط با موسسات کارورزی توسط بارلو وهال در چند حوزه مورد مطالعه قرار گرفته است که شامل شرایط مددجو، مسایل مربوط به صلاحیت، مدیریت موقعیت دارای پتانسیل خشونت و شرایط موسسه می‌شود. این پژوهش نشان می‌دهد که اگر چه در ارتباط با منابع استرس بین دانشجویان و سرپرستان توافق نظر هست اما تفاوت‌هایی هم وجود دارد. به عنوان مثال دانشجویان اظهار کرده‌اند که احساس آسیب پذیری به ویژه در ارتباط با امنیت و رابطه با سرپرستان داشته‌اند. در حالی که سرپرستان به سیاست‌های موسسه و موضوعات حل نشده بین شخصی به عنوان منبع استرس دانشجویان اشاره کرده‌اند، دانشجویان در موسسات کارورزی استرس‌های مهمی را تجربه می‌کنند و تمایل ندارند تا عواطفشان را با سرپرستان در میان بگذارند. دانشجویان در ارتباط با مددجویان احساساتی مانند بی‌قدرتی، ناراحتی، بیم‌ناکی، دستپاچه شدن، نگرانی، ایزوله شدن، شک داشتن، غمگینی، نگرانی و مواردی از این دست را تجربه کرده‌اند. به نظر سرپرستان، دانشجویان زمانی که با موقعیت‌های دردناک مددجویان مواجه‌اند یا هنگام مواجهه با کودکی که مورد سوء رفتار و خشونت قرار گرفته با استرس مواجه می‌شوند (همان).

یافته‌های پژوهش‌ها و مطالعات نشان می‌دهد که مربیان و سرپرستان آموزش کارورزی مددکاری اجتماعی با مسایلی مواجه‌اند که می‌توان به مواردی مانند تعداد ناکافی مربیان و سرپرستان واجد شرایط، فرصت‌های اشتغال غیر حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای، شناخت کم نسبت به منزلت حرفه‌ای، محیط نامناسب برای سازمان‌های غیر دولتی برای رشد و ارائه خدمات اجتماعی اشاره کرد (به نقل از Wong and Pearson, ۲۰۰۷).

بررسی معیارهای ارزیابی در مؤسسات کارورزی و تنش میان کارورزان و سرپرستان، موضوعی است که توسط چوی^۱ انجام شده است. بر اساس این مطالعه، بین این دو گروه به لحاظ معیارهای ارزیابی تفاوت وجود دارد که می‌تواند تحت تأثیر عواملی مانند رشد شخصی و تفاوت جایگاه آنان در محیط کارورزی باشد. دانشجویان در حالی که در حال اجرای و انجام وظایف روزمره خود هستند، ممکن است کاملاً فشارهای سازمانی و دیگر مشکلات را که دانشجویان با آن مواجه‌اند کاملاً درک نکنند. بر اساس این مطالعه، برخی از دانشجویان از حمایت ناکافی سرپرستان در درک کار عملی‌شان ناراضی بوده‌اند که می‌تواند گواهی بر تنش میان دو گروه مذکور باشد. در این مطالعه ذکر شده است که رابطه دوگانه سرپرست / استاد و دانشجو، موضوع قدرت را شامل می‌شود بدین معنا که همان‌گونه که سرپرستان امید زیادی به انجام کار عملی دانشجویان دارند، دانشجویان و کارورزان در ارتباط با نقش حمایتی سرپرستان در هدایت فرایند کار عملی انتظارات بالایی دارند (Chui, ۲۰۱۰).

ادبیات نظری پژوهش

در این بخش از مقاله به بررسی و ارائه مهمترین رویکردهای نظری کاربردی در حوزه کارورزی رشته مددکاری اجتماعی پرداخته می‌شود.

هوت چین سون و اولتدال^۲ (۲۰۱۴) مهم‌ترین نظریه‌های موجود در مددکاری اجتماعی که عمدتاً بر گرفته از رشته‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی است را به پنج نظریه تقسیم بندی می‌کنند که شامل نظریه‌های پویایی روانی، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه تعاملی، نظریه تضاد و نظریه سیستم‌ها می‌شود. این رویکردها به دلیل کثرت استفاده در آموزش عملی مددکاری اجتماعی به طور خلاصه مطرح می‌شوند.

۱. Chui

۲. Hotchinson and Oltedal

نظریه پویایی روان در مددکاری اجتماعی^۱ را فروید ابداع کرده است و سپس وارد حوزه مددکاری اجتماعی شده است. در این نظریه، رفتار ناشی از محرکات و تعاملات در ذهن آدمیان است و بر این تاکید دارد که ذهن انسان محرک رفتار است و ذهن و رفتار هر دو تحت تاثیر محیط اجتماعی شخص بوده و هم بر محیط اجتماعی تاثیر می‌گذارند (پین، ۱۳۹۱: ۱۵۱). نظریه‌ی پویایی روان به مددکاری اجتماعی کمک می‌کند تا امکان درک رشد شخصیت فرد و مشکلات احتمالی موجود در فرایند رشد را کسب کند. همچنین درکی از رابطه خود با دیگران و تقاضاهای آن‌ها از ما را فراهم می‌کند و نیز روش‌هایی برای غلبه بر مسائل در اختیار قرار می‌دهد. تمرکز اصلی در سطح فردی است. بنابراین اغلب مشاهده می‌شود که روش‌های مددکاری اجتماعی که تحت تاثیر شدید نظریه‌ی پویایی روانی هستند بیشتر همراه با نظریه‌هایی استفاده می‌شود که به محیط پیرامون توجه دارند مانند نظریه‌ی سیستم‌ها (Hutchinson and Oltedal, ۲۰۱۴: ۲۵).

نظریه‌ی یادگیری در مددکاری اجتماعی^۲ مبتنی بر نظریه‌های بندورا است که بیان می‌کند یادگیری با مشاهده و تکرار انجام می‌شود. رفتار جدید در صورتی ادامه پیدا می‌کند که تقویت شود. هسته‌ی مرکزی کار مددکاری اجتماعی در نظریه‌ی یادگیری به این صورت است که:

فرد به مرکز خدمات مددکاری اجتماعی مراجعه می‌کند تا مشکلی مطرح کرده و راه حلی برای آن پیدا کند. این مدل، به مدل چهار پی^۳ نیز معروف است که عناصر آن عبارتند از: شخص، مسئله، مکان و فرایند گفته می‌شود این ویژگی‌ها چنان کلی است که برای هر نهاد رفاه اجتماعی کاربرد دارد. آنچه این فرایند را مخصوص مددکاری

۱-Psychodynamic theory in Social Work

۲. Learning theory in social work

۳. Person, Problem, Place, Process

اجتماعی کرده است ویژگی‌های مسئله در ارتباط با فرد، نوع مسئله، نهادهای ارائه دهنده‌ی خدمات و فرایندهای حل مسئله است.

در نظریه‌ی تعاملی^۱ تمرکز بر این است که هر کسی موقعیت خود را در تعامل، چگونه تفسیر می‌کند. انسان با ارتباط، تصویری از خویشتن و دیگری می‌سازد. مهم‌ترین اصول این نحله فکری شامل موارد زیر است:

۱- انسان‌ها برخلاف جانوران پست‌تر از استعداد تفکر به‌رمندند.

۲- قابلیت تفکر از طریق کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد.

۳- انسان‌ها در کنش متقابل اجتماعی معانی و نمادهایی را یاد می‌گیرند که به آن‌ها امکان می‌دهند تا قابلیت مشخصاً انسانی شان برای تفکر را به‌کارگیرند.

۴- معانی و نمادها این امکان را به انسان‌ها می‌دهد که در کنش و کنش متقابل انسانی شرکت کنند (ریتزر، ۱۳۹۳: ۳۱۸). انسان‌ها با توجه به معنایی که از وضعیت درک می‌کنند، رفتار می‌کنند. در این نظریه هدف برای هر کسی معنادار یافتن زندگی است تا هدف و ارتباطی در زندگی خود کشف کنند. مددکاران اجتماعی به مددجو کمک می‌کنند تا تجربه‌های زندگی خود را در راستای داستانی معنادار و هماهنگ دسته‌بندی کنند. در این نظریه آنچه اتفاق افتاده اهمیت ندارد، بلکه برداشت مددجو از آن تجربه دارای اهمیت است.

نظریه تضاد^۲ بر این نکته تأکید دارد که انسان مدام در معرض تعارض برای در اختیار گرفتن منابع و موقعیت و قدرت هستند. در این رویکرد منافع، بنیاد زندگی اجتماعی است و زندگی اجتماعی ضرورتاً تفرقه انگیز و مبتنی بر نابرابری، تقابل و تضاد هست (کرایب، ۱۳۹۳: ۷۷). در این نظریه، جامعه با تضادها، تفاوت‌ها، اجبار و تغییرات تعریف می‌شود. هدف تضاد یافتن راه حلی با چالش میان افراد، گروه‌ها یا طبقات است که در آن بعضی برنده و بعضی دیگر بازنده هستند (Hutchinson and

۱. Interactionist theory

۲. Conflict theory

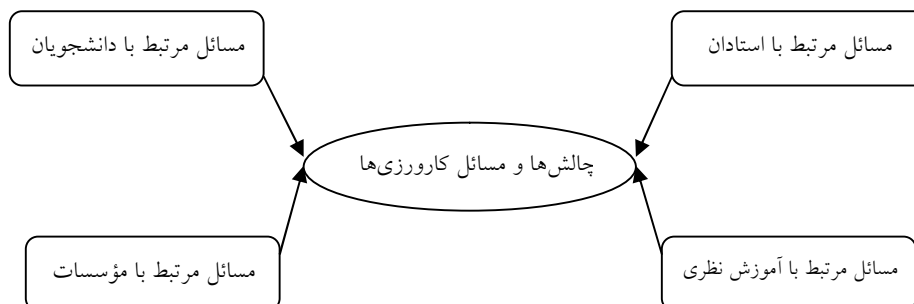
۱۴۲: ۲۰۱۴, Oltedal) در مدل‌های نظریه‌ی تضاد، مسائل افراد و گروه‌ها در ارتباط با نظام و جامعه مطالعه می‌شود. تمرکز این نظریه روی قدرت و ضعف است. جهت عملکردها در نظریه‌ی تضاد در پی حرکت دادن قدرت به سمت فرد با رشد خودآگاهی وی و به سمت تغییر وضعیت‌های مولد مسئله است.

و در نهایت نظریه سیستم‌ها در مددکاری اجتماعی^۱، رفتار انسان‌ها را در قالب نظامی پیچیده توصیف می‌کند. این نظریه مبتنی بر این تفکر است که سیستم موثر، سیستمی است که مبتنی بر نیاز افراد، پاداش، انتظارات و نگرش مردمی باشد که در آن سیستم زندگی می‌کنند. بر اساس این نظریه خانواده‌ها، زوج‌ها و افراد سازمان در حل مسئله درگیر هستند حتی اگر مسئله مربوط به فردی خاص باشد.

این رویکرد برگرفته از نظریه سیستم‌های عمومی است که در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ در مدیریت و روانشناسی بکار گرفته شد. در این نظریه انسان بخشی از جامعه است. ارزش این نظریه به این است که به انسان به صورت یک کل می‌نگرد (پین، ۱۳۹۱: ۲۷۱). شش ویژگی عمده در نظریه سیستم‌ها وجود دارد که در مکاتب مختلف این نظریه یافت می‌شود. نخستین ویژگی اهتمام لازم برای پرورش نظریه‌ی کل نگر است. دومین ویژگی طرز تلقی فرد از نحوه‌ی ایجاد شدن و تعریف سیستم‌ها است. سومین ویژگی، اهمیت مرزها در هنگام تقسیم سیستم‌ها و محیط پیرامون آن‌ها است. چهارمین ویژگی، این است که سیستم‌ها به دلیل پویایی فرایندها و توازن‌های اجتماعی حفظ می‌شوند. ویژگی پنجم مربوط به تفکر چرخه‌ای موجود در سیستم‌ها است و در نهایت ششمین ویژگی، امکان شناسایی اهدافی است که افراد تلاش می‌کنند در درون سیستم به آن دست یابند (Hutchinson and Oltedal, ۲۰۱۴: ۱۷۵).

هدف از ذکر این رویکردها عمومیت و کاربرد آنها در آموزش عملی مددکاری اجتماعی است.

مدل ۱- مدل مفهومی پژوهش



روش پژوهش

روش پژوهش این مطالعه، کیفی است که داده‌های مورد نظر از طریق مصاحبه گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها، از تحلیل تماتیک استفاده شده است.

جمعیت آماری، حجم و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اساتید سرپرست کارورزی رشته مددکاری اجتماعی است که با دانشگاه علامه طباطبائی سابقه همکاری دارند. حجم نمونه برابر با ۲۰ نفر از اساتید سرپرست می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری، هدف مند و دسترس می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

در ادامه به بررسی مهمترین چالش‌ها و مسایل فرا روی کارورزی رشته مددکاری اجتماعی در دانشگاه علامه طباطبائی پرداخته می‌شود. بر این اساس و بر مبنای تحلیل تماتیک مصاحبه‌های اساتید می‌توان این مسایل را به چهار حوزه کلی کدگذاری کرد که شامل (۱) مسایل مربوط به مؤسسات کارورزی، (۲) مسایل مرتبط با اساتید سرپرست، (۳) مسایل مرتبط با دانشجویان و (۴) مسایل مربوط به مؤسسات کارورزی می‌شود.

الف- محدودیت‌ها و مشکلات مربوط به مؤسسات کارورزی

یکی از موضوعات و مسائلی که اساتید سرپرست بدان اشاره داشته‌اند، مشکلات مربوط به مؤسسات کارورزی می‌باشد. مصاحبه زیر، نظر یکی از اساتید را در این باره نشان می‌دهد. به نظر آقای (ی):

«در رابطه با مؤسسات مشکلات متعددی وجود دارد به عنوان مثال بسیاری از این مؤسسات به دانشجویان اجازه فعالیت چندانی نمی‌دهند و همکاری مناسبی با دانشجویان ندارند خیلی از این مؤسسات در رابطه با تشکیل گروه و مصاحبه‌های فردی و همچنین بازدید از منزل برای دانشجویان محدودیت ایجاد می‌کنند. همچنین در بسیاری از این مؤسسات مددکار اجتماعی یا وجود ندارد و یا اینکه رشته فرد مددکاری اجتماعی نیست و به همین جهت همکاری چندانی با دانشجویان ندارند.»

این مصاحبه به موضوع همکاری مؤسسات اشاره دارد که بنا به آن، همکاری مناسبی بین برخی مؤسسات و دانشجویان ملاحظه نمی‌شود.

۱- عدم آشنایی کافی برخی مؤسسات با رشته مددکاری اجتماعی

گاه‌ها مشاهده می‌شود که در مؤسسات، مسوولینی هستند که با ماهیت و وظایف رشته مددکاری اجتماعی آشنایی ندارند و این مساله، سبب بروز مشکلات متعددی در امر آموزش کارورزی در مددکاری اجتماعی می‌شود. عدم شناخت کافی و یا شناخت نامناسب مؤسسات از حرفه مددکاری اجتماعی و کاربردهای آن، یکی از ابعاد این وضعیت می‌باشد. بر اساس نظر یکی از اساتید مددکاری اجتماعی:

«برخی مؤسسات که دانشجویان در آنها به کارورزی می‌پردازند حرفه مددکاری اجتماعی را یا بسیار جزئی و اندک می‌شناسند و یا اینکه کاربرد رشته مددکاری اجتماعی را به درستی نمی‌شناسند در حالی که در گذشته وضعیت بدین صورت نبود و شناخت بهتری وجود

داشت. همچنین مؤسساتی که وجود دارند بسیار محدود و اندک

می‌باشند (آقای الف)»

این گفته عدم آشنایی کافی مؤسسات کارورزی با فعالیت‌های مددکاری اجتماعی را نشان می‌دهد. بعلاوه برخی از اساتید به نامناسب بودن برخی مؤسسات کارورزی و عدم ارتباط آن با آموزش کارورزی اشاره داشته‌اند. آقای (ط) در این باره معتقد است که:

«مؤسساتی که دانشجویان در آن به کارورزی مشغولند به سه دسته

عمده تقسیم می‌شوند، مؤسسات دولتی، مؤسسات خصوصی و NGO

ها، از نظر من ارتباط با مؤسسات دولتی و خصوصی و برخی از

NGOها ضروری است و بسیار مناسب به نظر می‌رسد اما یکسری از

NGOها متناسب با کار مددکاری اجتماعی نیستند و در این مؤسسات،

کار مددکاری اجتماعی انجام نمی‌شود.»

۲- سپردن کارهای نامرتبط با مددکاری اجتماعی به دانشجویان در برخی مؤسسات عدم پذیرش دانشجویان و یا سپردن کارهای بی ربط با رشته به دانشجویان در برخی مؤسسات، یکی دیگر موضوعاتی که در ارتباط با مؤسسات کارورزی بدان اشاره شده است. آقای (ح) در این باره می‌گوید:

«در برخی از مؤسسات با دانشجویان برخورد مناسبی صورت

نمی‌گیرد و با دانشجویان به گونه‌ای برخورد می‌شود که حس سربار بودن

به دانشجویان منتقل می‌شود، در برخی دیگر از مؤسسات کارهای پراکنده

و کاملاً بی ربط به دانشجویان مددکاری اجتماعی داده می‌شود و در

برخی موارد مشاهده شده که دانشجویان مسئول جواب دادن به تلفن‌ها و

یا حتی مسئول کپی گرفتن شده و این امر بسیار نامطلوب است»

در مواردی مشاهده شده است که دانشجویان در مؤسسات کارورزی به کارهایی مشغول اند که با آموزش‌های کارورزی اجتماعی بیگانه است که گفته بالا برخی از ابعاد آن را نشان می‌دهد.

و در مورد دیگری، استاد سرپرست معتقد است
«به علت اینکه دقیقا وظایف مددکاری اجتماعی در برخی موسسات
تعریف نشده است، بعضا به دانشجویان کارهایی داده می‌شود که
ارتباطی به مددکاری اجتماعی ندارد که این موضوع به امر آموزش
صدمه می‌زند»

۳- کاهش تعداد موسسات

کاهش تعداد مؤسسات کارورزی نسبت به بیست سال نخست فعالیت دانشکده
خدمات اجتماعی سابق از جمله موضوعات مورد اشاره اساتید سرپرست می‌باشد. بر
اساس گفته یکی از اساتید در این زمینه:

«در گذشته تنوع مؤسسات و مؤسساتی که دانشجویان به آنجا
معرفی می‌شدند بسیار بیشتر بود اما الآن بسیار محدود شده از طرف
دیگر در مقایسه با سایر کشورها و دانشگاه‌های خارجی نوع موسسه در
این حوزه برای دانشجویان بسیار کم است (آقای س)»

به طور کلی موضوعاتی مانند نامناسب بودن مؤسسات، سپردن کارهای نامربوط،
مسئولین ناآشنا با مددکاری اجتماعی، تعداد محدود مؤسسات، عدم همکاری مناسب با
دانشجویان و... از جمله مواردی است که در مصاحبه با اساتید سرپرست به آن اشاره
شده است. در ادامه به ارائه نتایج مصاحبه‌ها با اساتید سرپرست در ارتباط با مسایل
مربوط به سرپرستان پرداخته می‌شود.

ب- مسایل مربوط به اساتید سرپرست:

برخی از مسایلی که اساتید سرپرست به آن اشاره داشته‌اند به خود آنها ارتباط پیدا
می‌کند که به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

۱- پایین بودن حق الزحمه اساتید سرپرست

یکی از عمده‌ترین مواردی که در این حوزه به آن‌ها اشاره داشتند بحث پایین
بودن حق الزحمه سرپرستان کارورزی که سبب کاهش انگیزه سرپرستان شده و بر

کیفیت کارورزی تأثیر نامطلوب گذاشته است. این موضوع در ارتباط با اساتید مدعو و غیر هیئت علمی نمود بیشتری دارد. آقای (ب) در این خصوص معتقد است که:

«با توجه به اینکه حق الزحمه سرپرستان بسیار ناچیز است و در مقابل از آنجا که تعداد جلسات کارورزی طولانی است و کار سرپرستی بسیار وقت گیر است لذا سرپرستان انگیزه کافی برای آموزش به دانشجو ندارند و همین مقدار از تلاش و وقت گذاشتن نیز که شاهد آن هستیم ناشی از تعهد سرپرستان به حرفه مددکاری اجتماعی است و گرنه از لحاظ مالی هیچ انگیزه‌ای ایجاد نمی‌شود و این بسیار منفی است.»

در همین این رابطه خانم (ل) اشاره می‌کند:

«هزینه‌های دریافتی سرپرستان بسیار ناچیز است آنقدر ناچیز که من حتی خبر ندارم هزینه ترم قبل پرداخت شده یا خیر به این دلیل که این مبلغ از نظر مالی در زندگی من هیچ نقشی ندارد چون که بسیار ناچیز است در همین رابطه دانشگاه و سرپرست یک رابطه دو طرفه است از آنجا که دانشگاه به ناچیز بودن مبلغ واقف است لذا انتظارات چندانی از سرپرستان ندارد از طرف دیگر سرپرست به این دلیل که دریافتی مناسبی ندارد انگیزه کافی نخواهد داشت جالب است که یک سرپرست باید چیزی در حدود سی جلسه در طول یک ترم برای دانشجو وقت بگذارد حال با این دستمزد بسیار کم چه انگیزه‌ای برای سرپرست باقی می‌ماند؟ این بسیار واضح است که در چنین شرایطی کیفیت کار افت می‌کند و امری به اهمیت کارورزی که بسیار برای دانشجوی مددکاری اجتماعی حیاتی است به درستی انجام نمی‌شود»

نتیجه منفی این وضعیت کاهش انگیزه برخی سرپرستان برای مبحث مهم آموزش و نظارت را در پی خواهد داشت، موضوعی که مسلماً در کیفیت آموزش تأثیر

نامطلوب دارد. نتیجه این وضعیت عدم همراهی برخی از سرپرستان می‌باشد در این رابطه خانم (ز) معتقد است که.

«گاهی اوقات برخی سرپرستان در امر سرپرستی دچار گسسته کاری شده و به صورت منسجم و مداوم بر دانشجو نظارت ندارند و این مسئله موجب می‌شود دانشجو کار را جدی نگرفته و کار را به خوبی انجام ندهند. از طرف دیگر برخی از سرپرستان وقت کافی برای دانشجو نمی‌گذارند و دانشجو را در موسسه تنها می‌گذارند و روند پیشرفت دانشجو را به درستی بررسی نمی‌کنند»

۲- نداشتن وحدت رویه در ارزشیابی دانشجویان

یکسان عمل نکردن سرپرستان در ارزیابی دانشجوها، یکی دیگر از موضوعات و مسایل مورد اشاره اساتید می‌باشد. در این رابطه آقای (م-) معتقد است:

«متأسفانه سیستم ارزیابی دانشجویان یکسان نیست و تفاوتی بین سرپرستان کم کار و پرکار وجود ندارد. از طرفی برخی از سرپرستان سهل گیرند و حتی بدون درخواست کار لازم از دانشجو نمره بالایی را به دانشجو می‌دهند مثلاً یکی از دانشجویان این ترم من ادعا داشت که سرپرست ترم قبل وی از وی خواسته در موسسه فقط دفترها و یادداشت‌های روزانه را بخواند و یا صرفاً در کارهای اداری به اعضای مرکز کمک کند. و این مسئله سبب این می‌شود که دانشجویانی که سرپرست از آنها کار جامع و علمی می‌خواهد با بی میلی آنرا بپذیرند چون برخی از دوستانشان که اهمیت خیلی کمتری به کارورزی داده اند، نمره بهتری بگیرند در واقع در زمینه ارزیابی دست سرپرستان بسیار باز گذاشته شده و این مسئله سبب برخوردهای سلیقه‌ای در میان سرپرستان می‌شود»

این مسئله ریشه در نداشتن وحدت رویه بین اساتید دارد که متأسفانه نتیجه آن می‌تواند کاهش انگیزه دانشجویان در امر آموزش باشد.

ج) مشکلات مربوط به دانشجو:

سومین موضوعی که در مصاحبه با اساتید به آن اشاره شده است، مشکلات مربوط به دانشجویان است.

۱- بی‌انگیزگی دانشجویان

بی‌انگیزگی دانشجویان یکی از مهم‌ترین مسایل و مشکلات دانشجویی در آموزش‌های عملی است. آقای (ز) در این باره اشاره می‌کند که:

«دانشجویان انگیزه لازم را ندارند یکی از مهم‌ترین دلایل برای این مسئله این است که دانشجویان در بدو ورود به رشته مددکاری اجتماعی مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند لذا ممکن است دانشجویانی وارد رشته شوند که علاقه چندانی به این رشته نداشته و صرفاً کارها را از سر اجبار انجام می‌دهند.»

گفته بالا مساله بی‌انگیزگی دانشجویان را به عدم گزینش مناسب دانشجو در بدو ورود به رشته مددکاری اجتماعی مرتبط کرده است. در این خصوص استاد دیگری معتقد است که:

«مساله بی‌انگیزگی به نظر من فراتر از رشته است و به شرایط کلی جامعه برمی‌گردد. متأسفانه جوان امروزی از انگیزه و دغدغه کافی و لازم برخوردار نیست در مورد رشته مددکاری اجتماعی چون کار با انسانها است شرایط نسبت به سایر رشته‌های تحصیلی بسیار حساس تر است»

۲- کم توجهی به علاقه دانشجویان در انتخاب موسسات کارورزی

علاوه بر مورد بالا که در بین برخی از دانشجویان-عمدتاً پسر- شایع است، در نظر نگرفتن علاقه دانشجو در هنگام انتخاب موسسه کارورزی از موارد دیگر مورد اشاره اساتید می‌باشد. آقای (س) اشاره می‌کند که:

«در انتخاب موسسه به نظر دانشجویان چندان توجه نمی‌شود و این

زمینه را برای بی‌انگیزگی دانشجو فراهم می‌کند.»

با این حال همواره تلاش بوده است تا بر مبنای علاقه دانشجو، موسسات انتخاب شوند ولی به دلیل محدودیت تعداد موسسات مناسب این مورد هم با چالش‌هایی مواجه است.

به نظر استاد سرپرست دیگری:

«علاقه دانشجو به حوزه‌های تخصصی مددکاری اجتماعی شرط

بسیار مهمی در پیشرفت علمی و عملی دانشجو است و هر گونه قصور

در این خصوص به امر آموزش صدمه وارد می‌کند. به نظر من هیچ

اشکالی ندارد که دانشجو صرفاً در یک حوزه تخصص مددکاری

اجتماعی آموزش ببیند.»

۳- مشکلات مربوط به رفت و آمد دانشجویان

از سوی دیگر، مشکلات ایاب و ذهاب دانشجویان برای مؤسسات کارورزی که قاعدتاً در هفته دو بار دانشجویان در حال تردد به مؤسسات کارورزی هستند، از مشکلات جدی است که به نظر اساتید، دانشجویان از آن گله مندند. هزینه‌های رفت و آمد به بسیاری از دانشجویان، مسایل مالی را تحمیل می‌کند. آقای (ی) در این رابطه مطرح می‌کند:

«یکی از مشکلاتی که وجود دارد و بر کیفیت کار دانشجو تأثیر

می‌گذارد این مسئله است که وسیله برای ایاب و ذهاب دانشجویان وجود

ندارد و گاهی اوقات دانشجو برای رسیدن به محل کارورزی باید ساعت‌ها در راه باشد و گاهی محل‌های کارورزی برای دانشجویان به ویژه دانشجویان دختر امنیت کافی وجود ندارد و این مسئله را حاد تر می‌کند.»

گفته بالا به تاثیر مشکلات ایاب و ذهاب بر کیفیت آموزش عملی دانشجویان اشاره دارد. در این خصوص استاد سرپرست دیگری معتقد است که:

«یکی از مشکلات دانشجویان مددکاری اجتماعی از گذشته تا به امروز مشکلات اقتصادی و مساله رفت و آمد است که هزینه‌های زیادی را به دانشجو تحمیل می‌کند. همواره دانشجویان از این موضوع گله مندند ولی تا کنون برای رفع آن چاره اندیشی نشده است»

۴- عدم توانایی دانشجویان در برقرار رابطه حرفه ای

گاهاً مشاهده می‌شود که دانشجویان توانایی سازگاری و برقراری ارتباط حرفه‌ای -به عنوان یکی از اصول اساسی و مهم در مددکاری اجتماعی- را با مؤسسات کارورزی، اساتید و مسئولین مؤسسات ندارند یا در این زمینه، ضعف جدی دارند. بنابراین ضعف بودن ارتباطات اجتماعی برخی از دانشجویان از موارد مورد اشاره اساتید سرپرست می‌باشد. آقای آ در این باره می‌گوید:

«بسیاری از دانشجویان به هنگام مراجعه به موسسه توانایی برقراری ارتباط مناسب را نداشته و نمی‌توانند خود را با محیط کارورزی سازگار کنند.»

نتیجه اینکه یکی از ابعاد مهم در کیفیت کارورزی مددکاری اجتماعی دانشجویان و مسایل خاص آنها می‌باشد. بی‌انگیزگی و بی‌علاقه گی به حرفه مددکاری اجتماعی، نبود دورنمای شغلی مناسب، مسایل مالی، ضعف در ایجاد ارتباط اجتماعی و حرفه‌ای در مؤسسات کارورزی از جمله مواردی است که به طور جدی می‌تواند امر آموزش در مؤسسات کارورزی را با چالش مواجه سازد. در ادامه به

مشکلات مربوط به سیستم آموزشی دانشگاه و ارتباط آن با مؤسسات کارورزی و اساتید سرپرست پرداخته می‌شود.

د- موضوعات مرتبط با آموزش نظری و عملی

۱- عدم انسجام در ساختار آموزشی کارورزی

عدم مداومت و عدم پیگیری در پیشرفت دانشجویان و توانمند سازی وی در امر آموزش و عدم انسجام در ساختار آموزشی کارورزی در طول چهار نیمسال تحصیلی به خصوص بین مددکاری فردی ۱ و ۲ و مددکاری گروهی و جامعه‌ای از دیگر موضوعات مورد اشاره می‌باشد. در این رابطه آقای (آ) معتقد است که :

«به نظر من در ۴ ترمی که دانشجویان دوره کارورزی را طی می‌کنند مداومت چندانی وجود ندارد و آموزش‌ها به هیچ وجه دارای ساختار و منطقی مشخص نیست به همین دلیل دانشجویان اطلاعاتی را به صورت پراکنده دریافت می‌کنند اما چون انسجام و مداومت کافی ندارد دانشجویان نمی‌توانند حداقل در یک حوزه خاص توانمند شود و در این راستا سیر پیشرفت دانشجویان مد نظر قرار نمی‌گیرد اینکه دانشجویان ابتدای کارورزی چه شرایطی داشته و پس از آن چه شرایطی دارد همچنین بین کارورزی فردی گروهی و جامعه‌ای نیز چندان ارتباط منطقی وجود ندارد و این یک ضعف بزرگ محسوب می‌شود و نهایتاً چیزی به علم و مهارت دانشجویان نمی‌افزاید.»

۲- عدم نیل به سمت تخصصی شدن

عدم تفکیک گرایش‌ها در مددکاری اجتماعی و عدم نیل به سمت تخصصی شدن در حوزه‌های مختلف مددکاری اجتماعی مانند پزشکی، آسیب‌های اجتماعی، صنعت، جوانان و نوجوانان، خانواده و... از موضوعاتی است که در این مصاحبه‌ها به آن تاکید شده است. آقای (ب) مطرح می‌کند که:

«یکی از دلایلی که باعث تضعیف مددکاری اجتماعی در کشور ما شده این مسئله است که در ایران گرایش‌های تفکیک شده مددکاری اجتماعی وجود ندارد و دانشجویان حتی در مرحله دکتری نیز در حوزه خاصی تخصص لازم را ندارند و از هر حوزه‌ای مقداری اطلاعات دارند اما کمتر می‌توان کسانی را یافت که در یک حوزه مشخص بسیار عمیق شده باشند»

همچنین خانم (ز) در این خصوص معتقد است که:

«در کشورهایی که مددکاری اجتماعی رشد چشمگیری داشته پس از دوره فوق دیپلم گرایش بندی در رشته آغاز می‌شود به دلیل همین گرایش بندی هر سرپرستی متناسب با حوزه توانمندی خود هدایت دانشجویان را بر عهده می‌گیرد و با کیفیت بسیار مناسبی به مهارت افزایی دانشجو کمک می‌کند»

۳- ضعف‌های مرتبط در آموزش نظری و شکاف بین مبانی نظری و عملی در

کارورزی

یکی دیگر از مسایل جدی مورد اشاره توسط اساتید سرپرست، ضعف‌های مرتبط در آموزش تئوریک و فاصله زیاد بین مبانی نظری و عملی در کارورزی می‌باشد. به لحاظ اصولی دانشجویان بایستی ضمن فراگیری مباحث نظری، بتوانند این مباحث را در عمل و در طول فرایند کارورزی بکار ببرند، مسئله‌ای که بخشی از آن ناشی از قدیمی بودن دروس تخصصی و عدم تطابق آن با نیازهای روز جامعه است. آقای (ب) معتقد است:

«تئوری‌هایی که در کلاس‌های درس به دانشجویان آموخته می‌شود بسیار قدیمی است و منابع به روز و جدید چندانی وجود ندارد و یا در صورت وجود آموزش آن به گونه‌ای نیست که در ارتباط با کارورزی و کار عملی باشد.»

همچنین آقای (آ) هم در این راستا بر این عقیده است که:

«به نظر من فاصله زیادی بین مبانی نظری و عملی در کارورزی وجود دارد و دانشجویان به هنگام ورود به کارورزی گاه با خلأهایی علمی مواجه می‌شود بدین جهت که یا آموزش‌ها متناسب و کافی نبوده و یا اینکه اساساً در موسسه‌های کارورزی رویکرد کلیشه‌ای جایگزین رویکرد علمی شده است»

۴- عدم وجود ارتباط منطقی بین بازار کار و آموزش‌ها

یافتن کار مناسب در آینده یکی از دغدغه‌های دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی به مانند سایر رشته‌های علوم اجتماعی می‌باشد. این موضوع، یعنی عدم وجود ارتباط منطقی بین بازار کار و آموزش‌ها از موارد مورد تاکید اساتید سرپرست می‌باشد. آقای (ح) عقیده دارد که:

«یکی دیگر از ایراداتی که در زمینه آموزش مددکاری اجتماعی وجود دارد این مسئله است که در هنگام آموزش خواسته‌های بازار کار چندان مد نظر قرار نمی‌گیرد و آموزش‌هایی که داده می‌شود فرد را به صورت کلی آماده می‌کند اما اگر این آمادگی مناسب و در جهت حضور فعالانه در بازار کار نیست و این سبب کاهش انگیزه‌ی دانشجویان می‌شود»

به نظر می‌رسد که تقسیم بندی کلاسیک مداخلات مددکاری اجتماعی به سطوح فردی، گروه و جامعه‌ای، بیشتر تاکید بر سطح اثرگذاری مداخلات مددکاری اجتماعی دارد. این موضوع نایستی جایگزین تخصصی شدن مددکاری اجتماعی در دنیای امروز شود. با این حال عدم تفکیک صحیح حوزه‌های کارورزی فردی، گروهی و جامعه‌ای و عدم وجود مرزهای مشخص در این حیطة از موارد مورد اشاره در مصاحبه با اساتید بوده است. به عنوان مثال آقای (ب) در این رابطه معتقد است که :

«متأسفانه در مؤسسات کارورزی تفکیک مشخصی بین کار فردی، گروهی و جامعه‌ای وجود ندارد و در برخی از مؤسسات عملاً امکان انجام حداقل یکی از این سه حوزه مددکاری اجتماعی وجود ندارد لذا عملاً برای دانشجویان چیزی به عنوان مددکاری فردی گروهی یا جامعه‌ای خالی از محتوا شده و دانشجو نمی‌تواند با مهم‌ترین حیطه‌های مربوط به مددکاری اجتماعی آشنا شود و این ضعف بزرگی برای سیستم کارورزی می‌باشد که نیازمند اصلاح و بازنگری است»

لازم به ذکر است که این موضوع در برخی مؤسسات، با نظارت سرپرست عملی بوده و هست.

۵- لزوم وجود یک دانشکده مددکاری اجتماعی مستقل

به نظر برخی از اساتید لازمه نیل به سمت تخصصی شدن نیازمند وجود یک دانشکده مستقل در حوزه خدمات اجتماعی می‌باشد. بنابراین عدم وجود یک دانشکده مستقل مربوط به مددکاری اجتماعی از موارد مورد اشاره در مصاحبه‌ها می‌باشد. آقای (آ) در این خصوص معتقد است که :

«یکی از مسائلی که بسیار به مددکاری اجتماعی و کارورزی صدمه زده این مسئله است که دانشکده‌ای مختص به مددکاری اجتماعی نداریم تا به شکلی تخصصی‌تر و گسترش‌گرایش‌های مختلف این رشته به رشد و توسعه رشته کمک کند لذا با عمومیت یافتن رشته فقط تحت عنوان مددکاری اجتماعی گرایش‌های تخصصی پیشرفت چندانی نخواهند داشت»

۶- کمبود مجلات تخصصی

همچنین کمبود مجلات علمی پژوهشی در حوزه مددکاری اجتماعی از موضوعاتی است که می‌تواند در شناساندن فعالیت‌های کارورزی مددکاری اجتماعی در حوزه‌های مختلف اثرگذار باشد. آقای (م) در این خصوص اظهار داشته است که: «یکی از معضلاتی که گریبان‌گیر رشته مددکاری اجتماعی است کمبود مجلات علمی پژوهشی است که راه را بر رشد و توسعه حرفه مددکاری اجتماعی و همچنین به روز رسانی علمی به ویژه در حیطه کارورزی می‌بندد»

بر مبنای گفته بالا کمبود مجلات تخصصی می‌تواند مانعی برای رشد و توسعه حرفه مددکاری اجتماعی باشد. به نظر استاد دیگر: پژوهش‌پیوند ناگسستگی با مددکاری اجتماعی دارد موضوعی که به نظر من تا حدودی در کارورزی مددکاری اجتماعی به ویژه تحصیلات تکمیلی با غفلت مواجه شده است. هر چند ممکن است پژوهش‌هایی خوبی انجام شده باشد اما در مجلات غیر مددکاری اجتماعی و لی مرتبط چاپ می‌شود. بنابراین ضرورت دارد مجلات تخصصی مددکاری اجتماعی چاپ شود.

۷- پیوند میان اجتماعات علمی

نهایت اینکه پیوند علمی بین اجتماعات علمی در هر رشته‌ای می‌تواند به ارتقا کمی و کیفی آن تأثیر شایانی داشته باشد. در حال حاضر دو دانشگاه علامه طباطبائی و علوم بهزیستی و توان‌بخشی به عنوان متولیان اصلی این رشته در ایران، ارتباط علمی موثر با هم ندارند. بنابراین عدم همکاری لازم بین دانشگاه‌های علامه طباطبائی و دانشگاه بهزیستی و سایر دانشگاه‌های متولی آموزش در حوزه مددکاری اجتماعی از مسایل مورد اشاره توسط اساتید سرپرست می‌باشد. مسئله‌ای که تعداد زیادی از اساتید به آن اشاره کردند همین مسئله بود به عنوان مثال خانم (الف) معتقد است که:

«یکی از راه‌هایی که یک رشته رشد و گسترش می‌یابد همکاری دانشگاه‌های متولی این رشته‌هاست اما متأسفانه در مددکاری اجتماعی دو دانشگاه عمده‌ای که متولی مددکاری اجتماعی هستند چندان با هم تعامل ندارند و بعضاً اختلاف نظرها و جبهه‌گیری‌هایی وجود دارد که پیشرفت رشته را مختل می‌کند»

در این خصوص استاد دیگری معتقد است که :

«تبادل فکری بین مراکز علمی داخلی و خارجی به کاهش مشکلات آموزشی حرفه مددکاری اجتماعی کمک می‌کند که می‌تواند به ایجاد نشست‌های تخصصی هم‌اندیشی با موضوعات مشخص و روز جامعه منتهی شود»

لازم به توضیح است که به گفته یکی از اساتید پیشکسوت گروه مددکاری اجتماعی، عضویت دانشکده خدمات اجتماعی سابق در انجمن بین‌المللی مدارس مددکاری اجتماعی از اوایل سال‌های بعد از انقلاب اسلامی معلق شده و مکاتبات در این خصوص نیز تاکنون نتیجه بخش نبوده است. مطالبی که به آن اشاره شده بر ارزیابی مسایل و مشکلات موجود مؤسسات کارورزی و آموزش عملی از دید اساتید سرپرست اشاره داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

کارورزی و فعالیت‌های عملی در تمام رشته‌های علمی به ویژه در رشته‌های همیار مانند مددکاری اجتماعی دارای کارکردهای زیاد و مهم بسیاری می‌باشد. در واقع می‌توان گفت در رشته مددکاری اجتماعی که با انسان‌ها سروکار دارد فعالیت‌های عملی پل ارتباطی بین آموزش و عمل است. آموزش‌های نظری زمانی در این رشته علمی معنا خواهد داشت و کامل می‌شود که با آموزش‌های عملی مبتنی بر مهارت‌های حرفه‌ای همراه باشد، در غیر این

صورت این رشته درگیر مباحث صرف نظری خواهد شد که این وضعیت با ماهیت این رشته که ارائه خدمات حرفه‌ای به مددجویان است مغایرت خواهد داشت.

این رشته در پیوند با جامعه و گروه‌های هدف در سطوح فردی، گروهی، جامعه‌ای است، بنابراین ماهیت آن، اقتضا دارد که در جهت کمک هدفمند به مددجویان، کارورزی‌ها جدی گرفته شود تا با اتخاذ شیوه‌های حرفه‌ای مناسب به این افراد کمک شود. بنابراین هر گونه قصور در این زمینه یاری رسانی و مدرسانی به مددجویان و هر گروه انسانی که با فعالیت‌های مددکاری اجتماعی سروکار دارند را با مشکل مواجه خواهد کرد. به طور قطع می‌توان گفت که جامعه کنونی و آتی ایران با توجه به ساختار خاص خود و مسایلی مانند طلاق و آسیب‌های خانواده، اعتیاد و سایر آسیب‌های اجتماعی، بروز بیماری‌های صعب‌العلاج مانند سرطان، ام. اس و...، سالخورده‌گی جمعیت و... نیازمند خدمات مددکاری اجتماعی می‌باشد و قطعاً آموزش‌های عملی مناسب به دانشجویان این رشته راه گشا خواهد بود. این مطالب ضرورت توجه به امر پژوهش در ارتباط با کارورزی‌های رشته مددکاری اجتماعی را نشان می‌دهد.

فعالیت‌های عملی در رشته مددکاری اجتماعی همواره به عنوان جز جدایی ناپذیر و به عنوان قلب این رشته، همواره مورد توجه پژوهش‌گران قرار داشته است. با این حال این بعد اثر گذار در همه مراکز آموزشی با مسایل و چالش‌های خاص خود مواجه است. در سطح کلان و ساختاری، موضوع به جایگاه این رشته در برنامه ریزی‌ها و سیاست گذاری‌های اجتماعی برمی‌گردد. بنابراین به هر میزان این جایگاه شناخته شده تر باشد از مشکلات رشته مددکاری اجتماعی و از جمله در بعد عملی آن کاسته خواهد شد.

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت نتایج مصاحبه با اساتید سرپرست کارورزی مددکاری اجتماعی در ارتباط با مسایل و مشکلات آموزش عملی در مددکاری اجتماعی بود. تلاش شد تا با کنکاش آسیب شناسانه به بررسی مسایل و مشکلات این حوزه از دید مصاحبه شونده‌گان پرداخته شود. نکته قابل تأمل اینجاست که همه این مسایل را نمی‌توان به همه اساتید و مؤسسات کارورزی تعمیم داد ولی به هر حال در برخی از

مؤسسات و در ارتباط با برخی از اساتید در گذشته مسایل و مشکلاتی وجود داشته است. نهایت اینکه در طی چند سال گذشته تلاش گروه مددکاری اجتماعی و واحد کارورزی، بر ارتقا کمی و کیفی کارورزی‌ها بوده است و در این زمینه تلاش‌های درخور توجهی صورت گرفته است.

بر اساس یافته‌های مقاله، مسایل و مشکلات موجود در کارورزی‌های دانشگاه علامه طباطبائی تحت تاثیر عوامل چهارگانه یعنی ۱) دانشگاه (نظام آموزشی)، ۲) استاد سرپرست، ۳) دانشجو و ۴) موسسه‌های مددکاری اجتماعی می‌باشد.

در ارتباط با نظام آموزشی می‌توان به مواردی مانند عدم انسجام در ساختار آموزشی، عدم نیل به تخصصی شدن، شکاف بین مباحث نظری و آموزش‌های عملی، عدم وجود ارتباط منطقی بین بازار کار و آموزش‌ها، لزوم وجود یک دانشکده مددکاری اجتماعی مستقل، کمبود مجلات تخصصی، پیوند ضعیف میان اجتماعات علمی اشاره داشت.

در ارتباط با اساتید سرپرست، مسایلی مانند پایین بودن حق الزحمه اساتید، نداشتن وحدت رویه در ارزشیابی دانشجویان توسط اساتید و بعضاً حضور کمرنگ معدودی از اساتید در محل کارورزی‌ها مطرح شده است.

یکی دیگر از مشکلات موجود در کارورزی‌ها با مؤسسات کارورزی مرتبط است. در این زمینه اساتید به موضوعاتی مانند عدم آشنایی برخی مؤسسات با رشته مددکاری اجتماعی، سپردن فعالیت‌های نامرتبط به دانشجویان و کاهش تعداد مؤسسات نسبت به گذشته اشاره داشته‌اند.

در نهایت برخی از مشکلات موجود در کارورزی‌ها با دانشجویان مرتبط است. در این خصوص می‌توان مواردی مانند بی‌انگیزگی دانشجویان، کم توجهی به علاقه دانشجو در انتخاب مؤسسات، هزینه رفت و آمد دانشجویان، عدم توانایی دانشجویان در برقراری ارتباط حرفه‌ای را مورد توجه قرار داد.

به طور کلی مهمترین چالش‌ها و مسایل فراروی آموزش عملی مددکاری اجتماعی در دانشگاه علامه طباطبائی مواردی مانند عدم همکاری مؤسسات، سپردن فعالیت‌های نه

چندان مرتبط با حوزه مددکاری اجتماعی به دانشجویان، کاهش تعداد موسسات نسبت به گذشته، عدم نظارت موثر و مناسب اساتید سرپرست، پایین بودن حق‌الزحمه اساتید، سلیقه‌ای عمل کردن برخی سرپرستان و نداشتن وحدت رویه در ارزیابی دانشجویان، عدم ارتباط موثر بین اساتید سرپرست و دانشگاه، و صوری شدن امور مربوط به کارورزی، تخصصی نبودن مددکاری اجتماعی در حوزه‌های مختلف، فاصله بین مباحث نظری در کلاس‌ها و عملی در کارورزی، بی‌انگیزگی دانشجویان (به ویژه دانشجویان پسر)، مشکلات رفت و آمد دانشجویان، عدم توانایی دانشجو در برقراری ارتباط حرفه‌ای و... را شامل می‌شود. این یافته‌ها یا نتایج مطالعات الماسب و دیگران (۲۰۱۳)، گلמן (۲۰۱۱)، شون (۲۰۰۷) و چوی (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

پیشنهادات پژوهش

حال با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادات زیر جهت ارتقا کیفی آموزش‌های مربوط به کارورزی‌های رشته مددکاری اجتماعی در دانشگاه علامه طباطبائی مطرح می‌شود:

۱- بر اساس یافته‌های پژوهش، یکی از مشکلات موجود در آموزش‌های مربوط به کارورزی‌ها، نداشتن وحدت رویه بین اساتید است که گاهاً سلیقه، جای معیارهای علمی را می‌گیرد. این وضعیت هم در حین آموزش و هم در ارزشیابی دانشجویان مشاهده می‌شود. تهیه یک دستورالعمل مشخص که وظایف سرپرست و همچنین نحوه ارزشیابی در آن مشخص شده باشد می‌تواند به ارتقا کیفی آموزش عملی کمک کند و از اعمال سلیقه جلوگیری کند.

۲- برگزاری جلسات هم‌اندیشی با حضور سرپرستان با تجربه و استفاده از خرد جمعی و همچنین نشست‌های مشترک با مسئولین دانشگاه‌های متولی این رشته، می‌تواند به ارتقا کیفی کارورزی مددکاری اجتماعی یاری رساند.

۳- با توجه به بی‌انگیزگی و عدم علاقه برخی از دانشجویان به حرفه مددکاری اجتماعی، پیشنهاد می‌شود که گزینش دانشجو به صورت نیمه متمرکز و با انجام مصاحبه‌های لازم جهت ورود به دوره‌های آموزشی توسط گروه انجام پذیرد. این امر برای مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تحقق یافته است و برای کارشناسی نیز ضرورت مضاعف دارد.

۴- یکی از مسائلی که در حوزه کارورزی‌های مددکاری اجتماعی وجود دارد مشخص نبودن وظایف مددکاری اجتماعی در موسسات و عدم ارتباط مناسب با مسئولین موسسات کارورزی است، پیشنهاد می‌شود به صورت دوره‌ای در هر سال تحصیلی نشست‌های مشترکی میان مسئولین این موسسات و گروه مددکاری اجتماعی جهت تعامل بیشتر برگزار شود.

۵- یکی دیگر از مشکلاتی که اساتید به آن اشاره داشتند، مسئله حق‌الزحمه بود. پیشنهاد می‌شود که دانشگاه با توجه به امکانات مالی موجود در جهت این موضوع اقدام لازم را به انجام رساند. علیرغم اینکه اقداماتی در این خصوص انجام شده‌است ولی هنوز به نتیجه‌مورد انتظار حاصل نشده است.

۶- یکی دیگر از چالش‌های موجود، مسایل مربوط به دروس نظری مانند مبانی جامعه‌شناسی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، دروس روانشناسی و... می‌باشد. پیشنهاد می‌شود که حتی‌المقدور این دروس توسط اساتیدی ارائه شود که حداقل آشنایی با حرفه مددکاری اجتماعی دارند. یعنی به نوعی کاربرد مباحث در مددکاری اجتماعی مدنظر قرار گیرد.

۷- با توجه به ضرورت نظارت کافی بر مؤسسات مختلف کارورزی و ارتقا کیفیت آموزش‌های عملی، به نظر تشکیل واحد مددکاری اجتماعی ضروری به نظری می‌رسد. پیشنهاد می‌شود که این واحد حداقل دارای یک کارشناس اداری و با نظارت یکی از اعضای هیئت علمی گروه مددکاری اجتماعی باشد.

منابع

- پین، مالکوم. (۱۳۹۱)، *نظریه نوین مددکاری اجتماعی*، ترجمه: طلعت الهیاری و اکبر بخشی نیا، انتشارات دانژه.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۳)، *نظریه جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه: خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، انتشارات جامعه‌شناسان.
- زاهدی اصل، محمد؛ اکبر بخشی نیا، (۱۳۹۳)، *بررسی وضعیت کارورزی دانشجویان مددکاری اجتماعی در حوزه بهداشت و درمان (با تأکید بر بیمارستان‌ها)*، کار کلاسی منتشر نشده.
- کرایب، یان. (۱۳۹۳)، *نظریه اجتماعی مدرن*، ترجمه: عباس مخیر، نشر آگه.
- معارف وند، معصومه. (۱۳۸۹)، کارورزی یادگیرنده محور؛ تطبیق روش‌های نوین یادگیری و آموزش در مددکاری اجتماعی، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۵۰.
- Al-Ma'seb, Hend, Anwar Alkhurinej And Mohammed Alduwaihi. (۲۰۱۳). *The gap between theory and practice in social work*. International Social Work ۲۰۱۵, Vol. ۵۸ (۶)
- Barlow, Constance and Barry L. Hall. (۲۰۰۷). *'What about Feelings?': A Study of Emotion and Tension in Social Work Field Education*. Social Work Education Vol. ۲۶, No. ۴
- Baum, Nehami. (۲۰۱۱). *Social Work Students' Feelings and Concerns about the Ending of their Fieldwork Supervision*. Social Work Education Vol. ۳۰, No. ۱,
- Chui, Ernest. (۲۰۱۰). *Desirability and Feasibility in Evaluating Fieldwork Performance: Tensions between Supervisors and Students*. Social Work Education Vol. ۲۹, No. ۲

- Flynn, Catherine Catherine Flynn, John Kamasua, Kerry Brydon, Dunstan Lawihin, Tara Kornhauser & Esther Grimes. (۲۰۱۴). *Preparedness for Field Education Placement: Social Work Students' Experiences in Papua New Guinea*. Social Work Education, Vol. ۳۳, No. ۴
- Gelman, Rosenthal. (۲۰۱۱). field instructors, s perspectives on foundation-year MSW students, s placement anxiety, *Journal of Teaching in Social Work*, ۳۱
- Goodman, H. & Carolyn Knight and Khudodod Khudododov. (۲۰۱۴). Graduate Social Work Students' Experiences with Group Work in the Field and the Classroom. *Journal of Teaching in Social Work*, ۳۴:۶۰–۷۸,
- Gelman, Rosenthal. (۲۰۰۴). Anxiety experienced by foundation-year MSW students entering field placement: implications for admissions, curriculum and field education. *Journal of Social Work Education* ۴۰
- Hutchinson, Gunn and Siv Oltedal. (۲۰۰۱۴). *five theories in social work. university Nordlan*
- P Sunirose. (۲۰۱۳). Fieldwork in Social Work Education: Challenges, Issues and Best Practices. *Rajagiri Journal of Social Development*. Jun ۲۰۱۳, Vol. ۵ Issue ۱, p ۵۷-۶۶. ۱۰p
- Tapp, Karen, Caroline Macke and Tara McLendon. (۲۰۱۲). *Assessing Student Performance in Field Education*. Volume ۲.۲ fieldeducator. simmons.edu.
- Wong, Yu-cheung and Veronica Pearson. (۲۰۰۷). *Mission Possible; Building Social Work Professional Identity through Fieldwork Placements in China*. Social Work Education Vol. ۲۶, No. ۳
- Yeunga, Vincent & Lee Tsor-kuia and Chung Kim-waha. (۱۹۹۸). Student satisfaction in social work placement in Hong Kong. *Journal of Social Work*.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی